

آن زمان که دین و آئین، انقلاب و شرافت یک امت مورد تهدید قرار می گیرد رعایت خیلی از مسائل حیاتی همچون حفظ جان اولاد و ارزش خود را از دست می دهند.

دشمن برمیهن اسلامیمان تاخته بود. خرمشهر را در همسایگی ما تارو مار کرده و تا گلوگاه آبادان به پیش رانده بود. شهر با وضع جدیدی روبرو شده بود. آتش از هر سو زبانه می کشید و هر زمان وقوع هر حادثه جدید محتمل می نمود. هر ساعت شهیدی بخون می طپید مردم سراسیمه برای یاری مجروحین به هر کجا سر می کشیدند. آب و برق بسیاری از مناطق قطع و بنزین در شهر کمیاب شده بود. شبها شهر در خاموشی مطلق فرو می رفت. وسایل حمل و نقل کمیاب بود و کودکان و زنان برای خرج دردروازه شهر تجمع کرده و با هروسيله ممکن از شهر خارج می شدند. هروسيله ای خارج می شد دیگر باز نمی گشت.

یک شهر و آنهم آبادان که یکی از مهمترین شاهرگهای حیات اقتصادی مملکت به شمار می رفت با همه امکانات در معرض سقوط بود. دفاع از این شاهرگ، گذشتن از شاهرگ حیات یک ایشارگر را می طلبید که تنها سلاح شهادت بود. شهر در محاصره تنگ ۳۵۰ درجه قرار داشت و از هر طرف زیر باران توپخانه و خمپاره دشمن آرام نمی گرفت. غرض ناگهانی میگ و میرازهای دشمن امان هری ایمانی را می گرفت. خاطره تلخ خرمشهر با آنهمه شهید که از دمیسه های آن خانن فراری ریشه می گرفت اذهان را لحظه ای آرام نمی گذاشت. آبادان و تنها راه ارتباطی باقی مانده آن دراستانه سقوط حتمی قرار داشت. نجات آنها تنها معجزه ای را طلب می کرد و تنها ایشارگران مشتاق فلاح را می خواست که با ایمان راسخ پا به میدان گزارند و در این کارزار به یاری انقلاب بشنابند. شهر رفته رفته خالی و خالی تر میشد با اینحال مردمی که دفاع از انقلاب

جنگ و سازندگ

از آغاز هجوم بعثیون تا

فاجعه ای دیگر مشابه آنچه در خرمشهر گذشت جلوگیری نموده و در آن وضع بحرانی تا آنجا که امکان دارد در همه جا حضور پیدا کرده و از تمامیت انقلاب پاسداری نماید.

بعضی اسلحه بدوش گرفتند و به جبهه رفتند. بعضی مردم را از شهر خارج میکردند، بعضی آب را با تانکر به مردمی که هنوز در شهر مانده بودند می رساندند. بعضی دیگر مواد سوختی و روغنی پالایشگاه را از میان دود و آتش بیرون کشیده در اختیار جبهه قرار می دادند و بعضی دیگر...

تا طعمه حریق نشود از طرف دیگر مقاومت دلیرانه نیروهای مردمی امید بعثیون متجاوز را برای ورود به شهر به باس مبدل کرده پس یار دیگر بر آتش خود بر شهر افزودند تا هر آنچه که مانده است ویران کنند و بیشترین هدف هم پالایشگاه بود با همه اوضاع و احوالی که شرح رفت تخلیه پالایشگاه شروع شد. قلم از بیان ایشارها و شهامت های برادران عاجز است و در این مجال نمی گنجد. بعثت در محاصره بودن آبادان و قطع ارتباطات زمینی، خارج کردن وسایل از طریق دریا انجام میگرفت که این مسئله نیز با مشکلات خاص خود بر کندی کار می افزود.

تخلیه قطعات یدکی و بعضی دیگر از دستگاه های پالایشگاه حاصل هشت ماه همکاری شبانه روزی برادران جهاد سازندگی آبادان با کارکنان متعهد انجمن اسلامی پالایشگاه و شورای مساجد آبادان بوده است لازم به تذکر است علاوه بر تخلیه آلات و ادوات حتی نسبت به خارج کردن مواد سوختی از جمله روغن ماشین آلات که در سایر نقاط مملکت نیاز شدیدی نسبت به آن احساس میشد اقدام شد که ماهها نیاز شهرها و استانهای مجاور از همین مواد تخلیه شده تأمین می گردید.

جهاد سازندگی آبادان وظیفه خود می دید که با استفاده از تمامی امکانات از تکرار فاجعه ای دیگر مشابه آنچه که در خرمشهر گذشت جلوگیری نموده و در آن وضع بحرانی تا آنجا که امکان دارد در همه جا حضور پیدا کرده و از تمامیت انقلاب پاسداری نماید.

۱- شکست جهاد آبادان در تخلیه پالایشگاه

سوزنهای عظیم آتش، پالایشگاه را به جهنمی سوزان تبدیل کرده و نجات وسایل درون آنرا مشکل کرد، نمود از طرفی دریای امکانات بزرگترین پالایشگاه خارومیانه در حال شوختن بود. پس به هزرتیبی شده می بایست هزاران وسیله یدکی و ابزار و طرحها و پروژه های پالایشگاه را خارج کرد

مقدس شان را بر خود واجب می دانستند مانده بودند تا با جنگ و دندان از مسیح اسلام دفاع کنند.

صدای انفجار هر گلوله ای هر شهادت شهیدی را اعلام میکرد و پیام همه شهیدان پایداری و مقاومت بود. در آن روزها روح ایشار و شهادت به اوج خود رسیده بود و آنان که مانده بودند سرنوشتی جز شهادت را برای خود ترسیم نمی کردند و با این اوصاف بود که جهاد سازندگی آبادان وظیفه خود می دید که با استفاده از تمامی امکانات از تکرار

راه سازی به مدت یکماه به جبهه های غرب دزفول اعزام کرد که در واحدهای مختلف از جمله مهندسی جبهه، راه سازی، ایجاد خاکریز، سنگر و تعمیرات، آبرسانی و تدارکات غذایی جبهه فعالیت داشته است.

ج: شرکت در عملیات بیت المقدس (آزادی خرمشهر)

شرکت در عملیات بیت المقدس را می توان اوج حضور جهاد آبادان در جبهه دانست جهاد سازندگی آبادان با توجه به تجربه ای که در عملیات قبلی کسب کرده بود مسئولیت ستاد پشتیبانی جهاد سازندگی خوزستان را عهده دار شد. که با همه امکانات موجود خود و به همراه نود درصد از نیروهای انسانی خود با همکاری جهاد سازندگی سایر شهرستان های استان خوزستان در قسمت های مهندسی جبهه، راه سازی، ایجاد خاکریز و سنگر، واحدهای امداد فرهنگی و تبلیغات و تعمیرات فعالیت داشته است.

واحد تعمیرات این ستاد در هر مرحله از پیشروی رزمندگان اسلام نسبت به ایجاد یک تعمیرگاه ثابت در مواضع تصرف شده اقدام می کرده است که در طی چهار مرحله پیشروی چهار تعمیرگاه ثابت ایجاد شده است. همچنین همواره چند واحد سیار جهت انجام تعمیرات فوری در خطوط اول در حال آماده باش بوده اند.

د: شرکت در عملیات رمضان

بعد از فتح خرمشهر علیرغم به عهده گرفتن کارهای عمرانی توسط جهاد سازندگی آبادان جمعی از برادران که پیش از این نیز در میدانهای نبرد با خصم زبون حضور فعال داشتند داوطلبانه به پیشباز عملیات رمضان شتافتند و مسئولیت های مهندسی



چشمگیری داشته است.

الف: شرکت در عملیات نامن الاثمه (شکست حصر آبادان)

پس از ماهها انتظار و بلافاصله پس از سقوط بنی صدر خائن رزمندگان اسلام به فرمان امام دست به عملیاتی زدند با نام نامن الاثمه برای شکست حصر آبادان در این عملیات تأمین تدارکات و مهمات رسانی بخش بزرگی از خطوط مقدم جبهه

ی در جهاد آبادان

۱- پایان عملیات رمضان

۲- شرکت در تخلیه گمرک آبادان

در خلال تخلیه پالایشگاه تعدادی از برادران جهاد به منظور جلوگیری از نابودی اجناس و اموال بیت المال در گمرک آبادان که در تیررس مستقیم دشمن قرار داشت ایشارگران داوطلب شدند تا این اموال را که هر چند قابل مقایسه با گمرک خرمشهر نبود از زیر آتش دشمن خارج کنند. اجناس تخلیه شده از گمرک آبادان بالغ بر میلیونها تومان بود ولی در آن شرایط محاصره اقتصادی ارزش چند برابر داشت. لازم به توضیح است اینکار در مدت ۳ ماه و با همکاری برادران شورای مساجد آبادان انجام گرفته است.

۳- شرکت در عملیات جنگی

جهاد سازندگی آبادان شرکت در عملیات جنگی را بنا به ضرورت منطقه، مقدم بر سایر وظایف خود دانسته و مشتاقانه از ابتدای جنگ تا کنون در جبهه حضور داشته که در عملیات زیر فعالیت های

*** آبادان و تنها راه ارتباطی باقیمانده آن در آستانه سقوط حتمی قرار داشت. نجات آن تنها معجزه ای را طلب می کرد و تنها ایشارگران مشتاق فلاح را می خواست که با ایمان راسخ پا به میدان گزارند و در این کارزار به یاری انقلاب بشتابند.**

رزمی واحد امداد جبهه ستاد پشتیبانی خوزستان را بعهده گرفتند با استفاده از تجربیات گرانقدر گذشته و انتقال آنها به دیگر برادران سعی در پیشبرد هر چه بیشتر کارها در حوزه عملیاتی خویش نمودند.

جهاد سازندگی آبادان در این عملیات یکی از چهره های تلاشگر، پربار و با ارزش خود با نام آشنای عبدالرضا کشتکار را که مسئولیت ستادهای وروز برزید

توسط وسایل سنگین از وظایف اساسی جهاد سازندگی آبادان بوده است.

ب: شرکت در عملیات فتح البین

در این عملیات که در منطقه غرب دزفول انجام گرفت، جهاد سازندگی آبادان ضمن انجام وظایف محوله در منطقه آبادان حدود ۴۰ تن از برادران را به همراه ۱۳ وسیله نقلیه سبک و سنگین و وسایل

بشتیانی خوزستان در عملیات های فتح المبین و بیت المقدس و مسئولیت مهندسی رزمی را در عملیات رمضان بعهدہ داشت. از دست داد وی که عضو شورای مرکزی و یکی از بانیان جهاد آبادان بود پراستی شهیدی است که جای خالیش همیشه احساس می شود.

نگاهی به عملکرد کمیته های جهاد سازندگی آبادان در جبهه و روستا

۱- کمیته فنی:

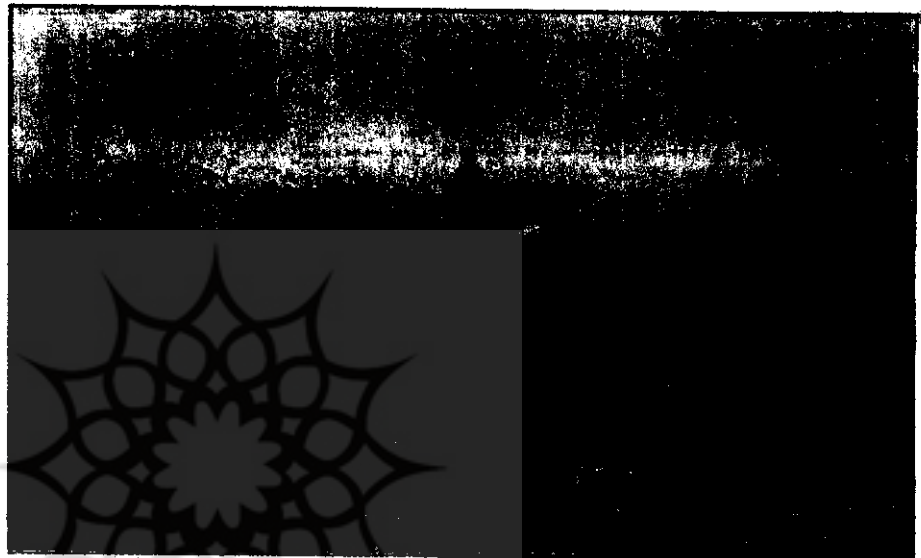
الف: واحد تعمیرات - با شروع جنگ تحمیلی و

خود فعالیت داشته است. از آن جمله ساخت قطعات یدکی مورد نیاز تفنگ ۱۰۶ و تانکهای ام-۴۷ را که تعداد آنها به بیش از هزار (۱۰۰۰) قطعه می رسد می توان نام برد. همچنین برادران این واحد با ابتکار در ساخت قطعه ای موفق به تهیه وسیله ای شدند که با نصب آن بر تیربار کالیبر ۵۰ برد نارنجک تفنگی را تا پانصد متر (پنج برابر) افزایش می دهد همچنین ساخت ۲۲۰ منبع آب سیارو ثابت و ۴۰ حمام صحرانی و بازسازی بیش از ۷۰۰ تانکر بلا استفاده و ساخت چند دکل دیدبانی و ساخت یک پل شبکه ای و نصب آن بر روی روزه خانه بهمنشیر و نیز تهیه پایه های تیربار کالیبر ۵۰ و خشاب ضد هوایی گوشه ای از فعالیت های واحد تولید را نشان میدهد.

مسیر آنها احداث کرده که از ارزش نظامی فوق العاده ای برخوردار بوده اند. انجام یک پروژه بزرگ پدافندی به تقاضای نیروی هوایی جمهوری اسلامی که در مدت فقط ۲۳ روز به پایان رسید و هزینه ایجاد آن نسبت به گذشته مبلغی در حدود ۵٪ بوده است که مورد تحسین مسئولان نیروی هوایی قرار گرفت. همچنین ساخت تعداد ۲۱۰ سنگر اجتماعی بتونی که وزن هر کدام ۳۶ تن و مساحت آن ۱۲ متر مربع می باشد و نیز احداث ۱۸ پل و ۴ تعاونی در روستاهای آبادان و ساختمان یک باب حمام با همکاری مالی بخشداری اروند کنار و با دوش در روستای ابوحمید و ایجاد ۳ فنداسیون برا تلمبه خانه آب شهر از دیگر کارهای کمیته عمران بوده است.

کمیته آبرسانی:

با شروع جنگ و قطع برق و از کار افتادن کلیه پمپ بنزینها در سطح شهر این کمیته با ابتدائی ترین وسایل از قبیل پمپ های دستی و شبکه های نفت توزیع بنزین و گازوئیل و نفت تمامی ارگانها نهادها و ارتش را در تمام سطح شهر و جبهه بعهدہ گرفت این کار بمدت ۶ ماه اول جنگ یکی از عمده ترین وظایف کمیته آبرسانی بوده است لازم به توضیح است این مواد (بنزین، گازوئیل و نفت) با ایثار و فداکاری دیگر برادران در سخت ترین شرایط به قیمت شهادت تنی چند از برادران از پالایشگاه خارج شده است. همزمان با اینکار توزیع روزانه صدویست هزار لیتر آب در تمامی خطوط جبهه های آبادان و ۱/۲ کیلومتر لوله کشی و تعبیه ۱۶ پمپ آب از نوع ۱/۵ اینچ و نصب ۵۲ مخزن هوایی با ظرفیت کل ۱۰۴ متر مکعب و نصب ۲۵



کمیته عمران:

همانطور که قبلا توضیح داده شد بدلیل محاصره شهر ارتباطات تنها از طریق دریا صورت میگرفت و اینها هرکدام به نوبه خود بر مشکلات می افزود بهمین دلیل نیاز به یک جاده ارتباطی شدیدا احساس می شد. با همکاری و مشارکت جهاد سازندگی آبادان و جهاد سازندگی اصفهان و فارس مسافر در شهر کار احداث جاده شروع شد. موقعیت جاده طوری بود که می بایست دشمن را دور زده و به جاده آبادان ماهره متصل شود احداث این جاده که بنام جاده وحدت معروف است با بیش از ۲۳ کیلومتر طول در مدت ۳ ماه در سخت ترین شرایط و در معرض دید مستقیم دشمن انجام گرفت این جاده که به خون تنی چند از جهادگران رنگین شد سهم بسزایی در شکست حصر آبادان داشت.

کمیته عمران علاوه بر احداث جاده وحدت، ۶ (شش) جاده نظامی شوسه و خاکی دیگر با عرض ۳ تا ۹ متر و بطول جمعا ۱۶ کیلومتر و ساخت ۷ پل در

تعطیل شدن ناگهانی تعمیرگاههای شهر و آماده بودن رده تعمیراتی ارتش و سپاه، هجوم کارهای تعمیراتی جبهه های خرمشهر و آبادان بطرف تعمیرگاه جهاد سرازیر شد. جهاد آبادان برای تطبیق خود با وضع موجود و جواب گویی به ساز تعمیراتی ارتش و سپاه و بیمارستانها دست به تشکیل یک تعمیرگاه مجهز زد که در آن روزهای حساس توانست با تعمیر و راه اندازی روزانه بیش از ۳۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین کمک بسزایی به جبهه های جنگ بنماید. طبق آمار موجود در این تعمیرگاه تعداد ۶۴۰۰۰ مورد تعمیر و راه اندازی صورت گرفته است که شامل ۲۶۰۰۰ تعمیرات سبک و تعداد ۲۲۰۰۰ تعمیرات سنگین و ماشین آلات مهندسی و ۶۰۰۰ تعمیرات مختلف شامل ژنراتور برق سردخانه، آب سردکن، آب گرمکن حمام، پمپ آب کشاورزان و غیره می باشد.

ب: واحد تولید کمیته فنی - واحد تولید همراه با تلاش مخترعان و مبتکران در سطح کشور در جهت خودکفائی یدکی ادوات جنگی با امکانات محدود

* برای شکست حصر آبادان در این عملیات تأمین تدارکات و مهمات رسانی بخش بزرگی از خطوط مقدم جبهه توسط وسایل سنگین از وظایف اساسی جهاد سازندگی آبادان بوده است.

دستگاه آب گرمکن و آب سردکن احتیاجات مراکز نظامی را مرتفع کرده است. در ضمن جمعا ۱/۸ کیلومتر لوله کشی در ۲۰۸ مورد تعمیرات شبکه آبرسانی بیمارستانها ادارات و مراکز دولتی که بر اثر

ترکش خمپاره و بمبارانها آسیب دیده بودند. از دیگر کارهای این کمیته بوده است. نصب پمپ آب بر روی ۳۲ دستگاه تانکر هجده هزار لیتری ارتش و سپاه و شهربانی و راه اندازی ۸۰ دستگاه تانکر بلااستفاده در شهر با استفاده از ۳۶۰۰ قلم اتصال گالوانیزه جهت آبرسانی در جبهه از دیگر خدمات شایان توجه این کمیته می باشد. کمیته آبرسانی علاوه بر خدمات بالا لوله کشی ساختمان بهداشتی چند روستای آبادان را بهمه داشته است و با ایجاد دو تعمیرگاه مجهز موتور پمپ آب در روستا از خدمت به روستائیان غافل نبوده است.

کمیته کشاورزی و دامپروری :

کمیته کشاورزی مانند سایر کمیته ها با مسائل خاص جنگ روبرو بوده است از جمله جمع آوری و مداوای دامهایی که بر اثر ترکش خمپاره با آواره شدن صاحبان آنها پلاستیک مانده بودند و رسانیدن آنها به محلهای امن و تاسیس یک دامداری در روستای چوبنده با ظرفیت ۳۰۰ رأس دام.

لازم به توضیح است دلایلی که در آن موقعیت دامهای کشاورزان را که تنها سرمایه شان محسوب می شد با قیمت بسیار ناچیز خریداری می کردند و کشاورزان نیز که قادر به خروج آنها از منطقه نبودند ناچار به فروش دامهای خود می شدند کمیته کشاورزی برای جلوگیری از اینکار با استفاده از کمک مانی فرمانداری و تاسیس این دامداری، دامهای کشاورزان را با قیمت عادلانه خریداری کرده و در مقابل متعهد می شد که پس از بازگشت روستائیان و مسترد نمودن مبلغ دریافت شده دامها را به آنها برگرداند. دیگر کارهای کمیته کشاورزی از این قرار است: تخلیه مجتمع دامپروری وزارت نفت که در فاصله ۳۰۰ متری دشمن در معرض انهدام قرار گرفته بود و خارج نمودن پیش از یکصد تن کود شیمیایی این مجتمع و توزیع آنها در میان کشاورزان شخم پنج هکتار زمین روستائیان آبادان، آمادگی جهت احیای بیش از ۳۵ هکتار زمین موات توزیع ۱۰۷ دلتاگام موتور پمپ و ۴۳ دستگاه سم پاش و مقادیر زیادی کود حیوانی و بذرهایی سبک و سنگین، ضد عفونی ۱۱۰۰ رأس گاو و بز و گوسفند و واکسیناسیون بیش از ۶۰۰۰ رأس دام، خرید محصولات کشاورزان با همکاری سازمان تعاونی روستائی، قابل ذکر است با ارائه خدمات بالا برای نمونه محصول گوجه فرنگی در سال ۶۰ در مقایسه با سالهای قبل از جنگ ۳ برابر افزایش پیدا کرده است.

کمیته بهداشت و درمان :

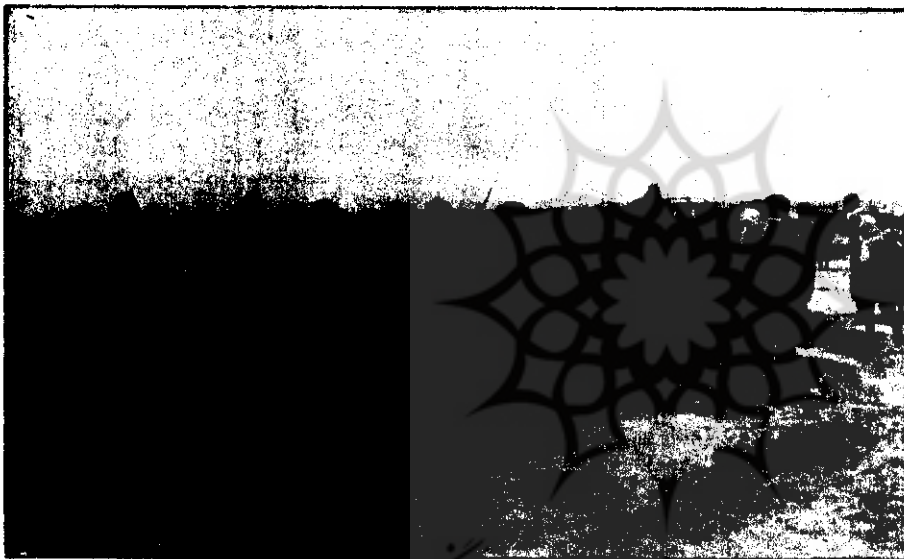
برادران و خواهران ما در کمیته بهداشت و درمان با امکانات محدود خود خدمات زیر را در

روستا و جبهه انجام داده اند.

- ۱ - تشکیل کلاسهای امدادگری برای خواهران و برادران جهادگر و افراد متفرقه برای مواقع ضروری.
- ۲ - سپاسی سنگرهای رزمندگان اسلام در جبهه و در سطح شهر و روستا و پاسگاههای مرزی.
- ۳ - تعیین گروه خون حدود ۱۰۰۰ نفر در سطح شهر.
- ۴ - اعزام اکیپهای امداد به جبهه های مختلف.
- ۵ - درمان رایگان ۳۵۰۰۰ نفر در روستاهای تحت پوشش.
- ۶ - توزیع داروی رایگان ۳۶۵۰۰ مورد تزریقات و پانسمان ۵۶۰۰ نفر و معرفی ۲۶۰ بیمار

کمیته برق رسانی:

موارد زیر عمده کارهای کمیته برق رسانی در منطقه بوده است.
احداث خطی بطول ۱۱۷۵ متر با نصب یکدستگاه ترانسفورماتور به منظور برق رسانی شهر تعمیر ۲ کیلومتر از خط برق رسانی ابوشانک - خضربه آبادان که در اثر ترکش توپ و خمپاره از بین رفته بود طرح برق رسانی روستای قفاض بطول ۳ کیلومتر و توان ۲۸۰ کیلو وات بانصب ۵۰ کنتور که از دور افتاده ترین و محروم ترین روستاهای آبادان می باشد.
تبدیل شبکه ۱۱۰۰۰ کیلو واتی به ۳۳۰۰۰ در



از روستائیان به بیمارستانها و بستری نمودن ۸۰ نفر از آنها.

۷ - توزیع کلر رایگان به ۲۹۲ خانوار و توزیع قطره ضد فلج به ۱۹۰۰ نفر.

۸ - این کمیته مسئولیت واحد امداد جبهه ستاد پشتیبانی خوزستان را عهده دار بوده است که یکی از ۳ محور عملیاتی بیت المقدس را از نظر نیروهای امدادگر و آمبولانس با کمک دیگر جهادهای استان خوزستان تامین می کرده است.

۹ - مسئولیت واحد امداد جبهه ستاد پشتیبانی جهاد سازندگی خوزستان در عملیات رمضان.

۱۰ - واحد دندان پزشکی کمیته بهداشت با کمک دندانپزشکان اعزامی از اصفهان در مدت ۳ ماه موفق به انجام خدمات زیر شده است.

تعداد ۱۴۰۷ عدد دندان کشیده شد.

تعداد ۲۷۵ دندان پر شد.

تعداد ۴۲۱ مورد پانسمان دندان.

تعداد ۲۰۹ مورد درمان و دارو.

تعداد ۱۴۰ مورد جرم گیری دندان.

روستای طره بخاخ بطول ۲ کیلومتر.

برقراری ارتباط «سیم سرویس» منازل و تعمیر شبکه شهری و نصب ژنراتور با همکاری سازمان برق.

همکاری با برادران سازمان برق جهت برق رسانی به آبادان بوسیله یک کابل زیر زمینی ۲۳۰۰۰ ولت در حاشیه جاده وحدت.

واحد حمل و نقل:

این واحد یکی از پرکارترین بخش های جهاد سازندگی در طول جنگ بوده است و واحد حمل و نقل با انجام مجموعاً ۹۶۰۰ مأموریت و سرویس دلان به کلیه کمیته های جهاد و نیز ارگانهای نظامی در طول جنگ و در تمامی شرایط منطقه علیرغم محدودیت وسایل و تجهیزات خدمت شایان توجه ای به جبهه و شهر و ارگانهای دولتی و مردم نموده است. از جمله:

۱ - شرکت در تامین مایحتاج شهر و جبهه در

بقیه در صفحه ۵۵

جنگ و سازندگی در....

چند ماه اول جنگ.
۲ - انتقال مردم شهر و اثاثیه آنها به خارج از شهر یا روستاهای اطراف.
۳ - حمل وسایل فنی و دفاتر اکثر ادارات و وسایل کامپیوتری و تلکس فرودگاه آبادان.
۴ - حمل دفاتر و اسناد بانکهای شهر و خارج نمودن ژنراتورهای سازمان برق خارج نمودن وسایل پایگاه نیروی دریایی از زیر آتش دشمن با همکاری دایره سیاسی ایدئولوژیک نیروی دریایی.
۵ - تحویل بیش از ۱۴۰ خودرو و بطور امانت به سپاه و ارتش از شروع جنگ تا پایان عملیات ثامن الائمه و حمل مهمات سپاه و ارتش تا پایان همین عملیات و انتقال غنایم جنگی به اهواز گوشه‌ای از کارهای است که این واحد موفق به انجام آن گردیده است

بعنوان خاتمه:

قدر مسلم شرح آنچه در این دو سال گذشت و

آگاهی رفتند و به جاودانگی پیوستند روانشان شاد و راهشان مستدام باد.
در انتها اگر یادی نکنیم از عزیزانی که داوطلبانه از شهرستانهای دور و نزدیک مشتاقانه به یاری ما شتافتند کمال بی لطفی را مرتکب شده ایم. این عزیزان در شرایطی که ما نیاز به افراد کارآمد داشتیم و با اوضاعی که ظاهراً جمع لوری این همه مومنین متخصص مشکل می نمود در اندک زمانی بطور خود جوش به گرد ما جمع شده و هر کدام به نوعی ما را مددکار شدند امید داریم که خداوند اجر عظیمی به آنها عنایت نموده و از عطایای خویش بهره مندشان کند.

والسلام

در شش ماه اول جنگ علاوه بر کارهای معمول جنگی، جهاد سازندگی آبادان مواد غذایی ۱۷۰۰ خانواده از مهاجرین جنگی شهرک را که از روستاهای آبادان پناه برده بودند تامین می نمود.

مجموع نمودن موقعیت و فضای جنگی حاکم بر آبادان را نمیتوان در این مقال گنجاند. به تصویر کشیدن صحنه‌های ایثار رزمندگان اسلام و جهاد گران توانای این مرز و بوم قلمی توانا می طلبد. در گزارش کارها و از خود گذشتگیهای دو سال جنگ نابرابر اگر لحظه‌ای را از قلم بیندازیم و از خاطره‌ای نادیده بگذریم از عظمت، تلاش‌ها و از شکوه غوطه ور شدن دلاورترین رزمندگان اسلام در خون پاکشان کاسته ایم.

در این مدت زمان فرق بیست و دو تن از بهترین یارانمان در مسلخگاه عشق شکافته شد هر چند که خون حیات بخششان محاسنشان را رنگین کرد اما در طلب معشوق از نثار سر و جان چه باک که حاصل خون مظهرشان به زبونی کشانیدن دشمن بود در آنجایی که جز پیروزی سرنوشت دیگری برای خویش رقم نمی زدند. آنها را جز ره سپردن در این طریق چاره‌ای نبود که خدایشان را عاشق شده بودند و تحمل فراقی ممکن نبود. بهر صورت آنها در کمال

باز سازی شوش....

ج - برای اینکه خدمتی کرده باشم به مستضعفین و اسلام.
* س - شما اینجا چه کار میکنید؟
ج - اینجا فعلاً ملات درست میکنم، آجر هم میدهم.
* س - به پیامی برای محصلین دارید؟
ج - محصلین به جهاد ها بروند و کمک به اسلام کنند و هر کس که از دستشان برمی آید کوتاهی نکنند و با این گروه ها فعالیت کنند چه در انجمنهای اسلامی و جهاد سازندگی و سپاه و...

* * *
* س - برادر خودتان را معرفی کنید؟
ج - اسم من محمد بنی عطا از ستاد بازسازی کرج به شهرستان شوش برای بازسازی آمده ام.
* س - شغل شما چیست؟
ج - تکمیل راه و ساختمان هستم و اینجا هر کاری که باشد ما زیر دست بنا و ملات کار انجام می دهیم.
* س - چند وقت شما اینجا هستید؟
ج - در حدود یک هفته شده که ما آمدیم و تا هر وقتی که کار باشد می مانیم انشاء... تا آخر بازسازی شهر اینجا هستیم.
* * *

والسلام.

پس از صحبت با مسئول ستاد بازسازی با بعضی از داوطلبانی که برای بازسازی آمده اند صحبت می کنیم.
* س - شما از کجا آمده اید و به چه منظوری آمده اید این جا و خودتان را معرفی کنید؟
ج - من از کرج آمده ام، امام جمعه آنجا دستور فرمودند که شوش خراب شده باید بروید کمک بکنید ما هم بلند شدیم و آمدیم.
* س - شما کارتان اینجا چیست؟
ج - من کارگری می کنم و حدود ۴۰ روز است که اینجا هستم و نزدیک ۳ ماه بناست اینجا بمانم و من بطور فی سبیل ... کار میکنم.
* س - انگیزه کلی شما از این کار چه بوده؟
ج - انگیزه کلی این بوده که کمک به مستضعفین بشود.

* * *
* س - شما لطفاً خودتان را معرفی کنید و بگویید چه مدت است که در اینجا هستید؟
ج - من مهدی پور اعزامی از کرج، حدوداً یک هفته است که اینجا هستم و حدود یک هفته دیگر می مانم چون ۱۵ روز دیگر باید به مدرسه بروم.
* س - شما چند ساعتان هست و کلاس چندم هستید؟

ج - من ۱۸ سال دارم و امسال چهارم نظری هستم و در مدرسه شریعتی درس میخوانم.
* س - برای چه به اینجا آمدید؟

است، آموزش و پرورش و ادارات دولتی هیچکدام با ما همکاری و ارتباط نداشته اند.
* س - خودشان چه کاری در رابطه با بازسازی شهر انجام داده اند؟
ج - از نظر ما آنها هیچ کاری نکرده اند و یا حداقل ما از آنها عمل موثری ندیده ایم، فقط جلسه‌ای بوده که برادرمان منتجب آمده بود که بخشدار و شهردار و ما نیز بودیم که آنها از وضع فعلی شوش ناراحت شدند که ۶ الی ۷ ماه از تمام شدن مسئله جنگ در این منطقه میگذرد ولی متأسفانه هنوز شهر شوش از حالت جنگی خارج نشده است، به همین دلیل از ما استمداد کمک و یاری کردند، خوب ما هم تا آنجا که توان داشتیم نیرو و امکانات در اختیارشان گذاشتیم از جهادهای دیگر لودر و گریدر گرفتیم، راننده از سوی فرمانداری آمده بود که در اختیار آنها قرار دادیم. و اکنون نیز برای همکاری و هماری از مردم تبلیغ میکنیم.
* س - برای مشارکت بیشتر مردم در این زمینه چه پیشنهاداتی دارید؟
ج - مهمترین مسأله در این منطقه کمبود تبلیغات و عقب ماندگی فرهنگی خصوصاً فرهنگ اسلامی است و روحانی انقلابی که عرب زبان باشد ما از برادران روحانی که برای انقلاب و اسلام دل می سوزاند می خواهیم که به این منطقه از کشور بیایند و در مساجد اینجا تبلیغ کنند و مردم را از آن حالت بی تفاوتی بیرون بیاورند.

جهاد